

فناوری و ترجمه

کتاب فناوری و ترجمه اثر هلیا واعظیان، منتشر شده توسط انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تلاشی است نظام‌مند و دقیق برای بررسی نقش فناوری در زندگی حرفه‌ای مترجمان امروز. این اثر با تمرکز بر آنچه فناوری در اختیار مترجم حرفه‌ای قرار داده، مجموعه‌ای از ابزارها، منابع و دستاوردهای دیجیتال را معرفی می‌کند و خواننده را با گستره وسیع امکانات موجود آشنا می‌سازد. نگارنده با انتخاب زبانی ساده و روان، کوشیده است مفاهیم تخصصی را به شکلی همه‌فهم ارائه کند و در موارد متعدد، واژه‌های رایج فارسی را بر اصطلاحات مصوب فرهنگستان ترجیح داده است تا متن هم‌زمان فاخر و ملموس باشد.

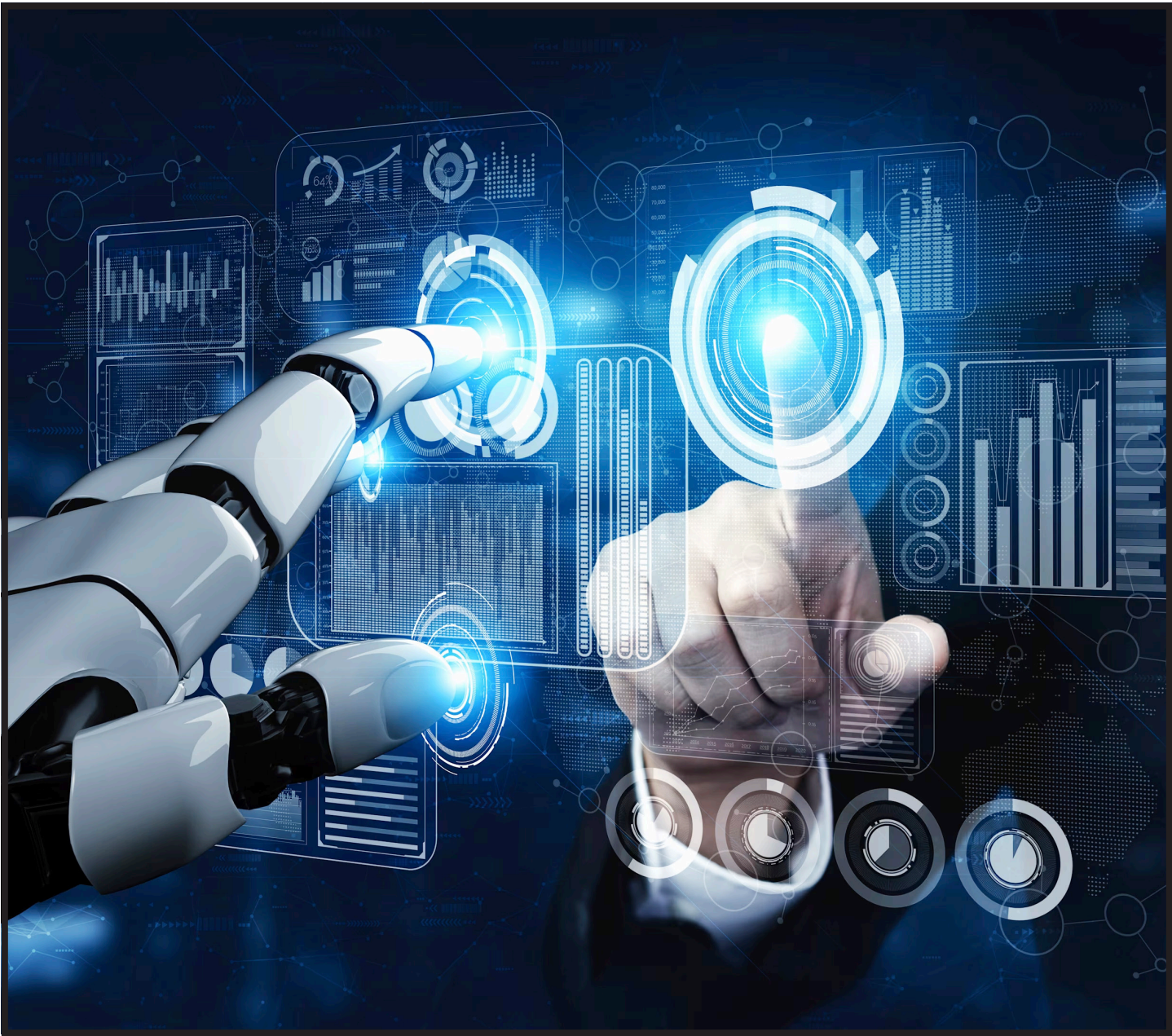
کتاب در پنج فصل تنظیم شده و هر فصل، بخشی از تجربه حرفه‌ای مترجمان و تأثیر فناوری بر کار آن‌ها را به تصویر می‌کشد. فصل نخست با بررسی تقابل انسان و ماشین در ترجمه آغاز می‌شود و جایگاه فناوری در ترجمه در مطالعات ترجمه و پژوهش‌های علمی این حوزه را شرح می‌دهد. فصل دوم به موضوع ترجمه ماشینی اختصاص یافته و ضمن معرفی رویکردهای عمده، انواع ترجمه ماشینی و سیستم‌های ترجمه برخط، رابطه این فناوری‌ها با عملکرد مترجم حرفه‌ای مورد بحث قرار می‌گیرد. فصل سوم، به‌نرم‌افزارهای حافظه ترجمه و امکانات متعدد آن‌ها می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه این ابزارها می‌توانند کیفیت و سرعت ترجمه را به شکل ملموسی افزایش دهند. فصل چهارم، اهمیت اینترنت و ابزارهای آنلاین را در ارتباطات حرفه‌ای و بازاریابی مترجمان بررسی می‌کند و با ارائه نمونه‌های کاربردی، از جمله تبدیل واحدهای اندازه‌گیری، تاریخ‌ها و واحدهای ارزی کشورها، به بهره‌گیری عملی از اینترنت در کار ترجمه می‌پردازد.

در فصل پایانی، واعظیان طیف گسترده‌ای از ابزارهای مکمل را معرفی می‌کند که مترجمان امروز برای تولید ترجمه‌ای دقیق و حرفه‌ای می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند؛ از ابزارهای تحلیل پیکره، سیستم‌های ترجمه برخط و نرم‌افزارهای بومی سازی وب‌گاه و نرم‌افزار گرفته تا ابزارهای مدیریت واژه و پروژه، ساخت زیرنویس، تضمین کیفیت ترجمه و حتی سرویس‌هایی مانند گوگل دراپو.



کتاب فناوری و ترجمه

- نویسنده: هلیا واعظیان
- انتشارات: دانشگاه علامه طباطبایی
- تعداد صفحه: ۱۳۴
- سال انتشار: ۱۴۰۴



هوش مصنوعی و آینده زندگی بشر

آینده پژوهی نشان می‌دهد فناوری‌های نوین نه فقط ابزار بلکه نیروی شکل دهنده آینده‌اند که مسیر تصمیمات فردی و جمعی ما را به طرز پیچیده و پرمعنا هدایت می‌کنند

رخداد چقدر است» و همین باعث می‌شود تصمیم‌گیری‌های ما

هوشمندانه‌تر و به‌روزر باشد. واقعیت این است که وقتی داده‌ها و هوش مصنوعی با هم ترکیب شوند، آینده پژوهی مثل داشتن یک بلندگو برای آینده» می‌شود؛ چیزی که می‌تواند فرصت‌ها و تهدیدها را هم‌زمان به گوش ما برساند.

حکمرانی هوشمند

در دنیای امروز، سیاست‌گذاری دیگر فقط به تصمیم‌گیری‌های پشت میز محدود نمی‌شود. هوش مصنوعی و آینده پژوهی به دولت‌ها و سازمان‌ها کمک می‌کنند تا تصمیماتشان پیش‌نگر، منعطف و علمی باشد. این فرآیند که «سیاست‌گذاری پیش‌نگر» نام دارد، تلاش می‌کند کشورها را برای آینده‌ای پر از تغییرات غیرمنتظره آماده کند. الگوریتم‌ها می‌توانند پیش‌بینی کنند که چه سیاستی ممکن است موفق شود یا چه تصمیمی ممکن است مشکل‌آفرین باشد. این کمک می‌کند تا جلوی اشتباهات بزرگ گرفته شود و سیاست‌ها با داده و واقعیت همخوانی داشته باشند؛ اما این مسیر ساده نیست. وقتی تصمیم‌گیری‌ها به الگوریتم‌ها سپرده می‌شود، شفافیت و پاسخگویی اهمیت پیدا می‌کند. مردم باید بفهمند که یک روبات چرا یک تصمیم خاص گرفته است و این تصمیم چه تأثیری بر زندگی‌شان دارد. آینده پژوهی می‌تواند چارچوبی ارائه دهد تا این فرایندها نه تنها علمی، بلکه اخلاقی و انسانی هم باشند. این یعنی فناوری باید به ما خدمت کند، نه اینکه ما در خدمت فناوری باشیم.

همچنین، هوش مصنوعی می‌تواند در کاهش تبعیض و نابرابری کمک کند، اما فقط اگر داده‌ها و الگوریتم‌ها به درستی مدیریت شوند. آینده پژوهان معتقدند که هدف نهایی باید ایجاد عدالت اجتماعی، حفاظت از محیط زیست و ارتقای رفاه عمومی باشد، نه صرفاً سود بیشتر یا قدرت بیشتر. بنابراین ترکیب هوش مصنوعی و سیاست‌گذاری، یک وظیفه اخلاقی هم هست.

تغییرات بازار و صنعت

اگر فکر می‌کنید هوش مصنوعی فقط به علوم و سیاست محدود می‌شود، باید بگویم که اشتباه می‌کنید. او دارد صنعت و بازار را هم متحول می‌کند. شرکت‌ها اکنون از هوش مصنوعی برای پیش‌بینی نیاز مشتریان، بهینه‌سازی زنجیره تأمین و طراحی محصولات شخصی استفاده می‌کنند. آینده پژوهی هم کمک می‌کند تا سازمان‌ها روندهای تحولی را از دیدگاه‌های مختلف ببینند و برای سناریوهای متفاوت آماده شوند.

در صنعت خودرو، برای مثال، پیش‌بینی حرکت به سمت خودروهای خودران یا شبکه‌های حمل‌ونقل هوشمند بدون تحلیل داده‌ها و آینده پژوهی ممکن نیست. این فناوری‌ها نه تنها سفرهای روزانه ما را تغییر می‌دهند، بلکه کل ساختار اقتصاد و تولید را بازتعریف می‌کنند. حتی بازار کار هم تحت تأثیر قرار گرفته است؛ مشاغلی که امروز می‌شناسیم، در دهه آینده ممکن است تغییر کنند یا جای خود را به شغل‌های جدید بدهند. آینده پژوهان باید چارچوب‌هایی برای بازآموزی و آماده‌سازی نیروهای کار ارائه کنند تا گذار به اقتصاد جدید هم‌نرو و انسانی باشد. شرکت‌های بزرگ فناوری هم نقش کلیدی دارند؛ آن‌ها نه تنها محصولات را توسعه می‌دهند، بلکه در شکل دهی آینده اقتصادی و اجتماعی مشارکت می‌کنند. سرمایه‌گذاری در پژوهش و همکاری با دانشگاه‌ها و مراکز آینده پژوهی، به آن‌ها کمک می‌کند تا نقشی فراتر از سودآوری کوتاه‌مدت داشته باشند. البته این همکاری‌ها باید شفاف و مسئولانه باشد تا منافع عمومی از بین نرود.

انسان و جامعه در مرکز

فراموش نکنیم که همه این فناوری‌ها در خدمت انسان هستند. هوش مصنوعی و آینده پژوهی نباید فقط داده و سیاست و اقتصاد را تغییر دهند؛ آن‌ها باید زندگی روزمره و هویت ما را هم بهبود دهند. فناوری در آموزش، سلامت و فرهنگ تأثیرگذار است. در آموزش، هوش مصنوعی شیوه‌های یادگیری و تعامل دانش‌آموزان را تغییر داده است. در سلامت، تشخیص زودهنگام بیماری‌ها و درمان‌های شخصی‌سازی شده اکنون ممکن شده است. و در فرهنگ، رسانه‌ها و هنر با الگوریتم‌ها و هوش مصنوعی رنگ و شکل جدیدی گرفته‌اند. آینده پژوهان هشدار می‌دهند این تحولات می‌توانند هم فرصت و هم تهدید باشند. اگر به درستی هدایت شوند، به کاهش نابرابری و ارتقای کیفیت زندگی کمک می‌کنند؛ اگر نه، ممکن است شکاف‌های اجتماعی و دیجیتال را عمیق‌تر کنند. بنابراین هوش مصنوعی و آینده پژوهی باید با دید انسانی و اخلاقی ترکیب شوند و نه فقط اقتصادی.

در نهایت، آینده‌ای که در انتظار ماست، دنیایی است که هوش مصنوعی و آینده پژوهی در آن با هم حرکت می‌کنند. این دوحوزه مکمل هم هستند و می‌توانند از تحلیل داده‌ها تا سیاست‌گذاری، از اقتصاد تا فرهنگ، مسیر توسعه بشر را شکل دهند. این یک فرصت است؛ فرصتی برای خلق دنیایی هوشمندتر، عادلانه‌تر و انسانی‌تر، دنیایی که ما نه تنها شاهدش هستیم، بلکه بخشی از شکل دهنده آنیم.

وب ۳: اینترنتی که مالکش خودت هستی

اگر تا امروز فکر می‌کردید اینترنت یعنی گوگل، فیسبوک، اینستاگرام و سرویس‌های مشابه، وب ۳ آمده تا نشان دهد اینترنت می‌تواند چیز دیگری هم باشد. نسل جدید اینترنت وعده می‌دهد که کاربران دیگر صرفاً مصرف‌کننده نباشند، بلکه مالک داده‌ها، هویت دیجیتال و حتی اقتصاد آنلاین خود باشند. در وب ۳ خبری از سرورهای مرکزی نیست و داده‌ها روی شبکه‌ای گسترده از کامپیوترها یا همان بلاک‌چین‌ها توزیع می‌شوند. این ساختار شفافیت، امنیت و خودمختاری را به کاربران هدیه می‌دهد و تجربه دیجیتال را از حالت مصرف‌کننده‌محور به مشارکتی و مالک‌محور تبدیل می‌کند. به بیان ساده، وب ۳ شبیه یک مهمانی است که میزبان اصلی در آن دیگر تصمیم‌گیرنده نیست، بلکه همه مهمان‌ها با هم درباره موسیقی، غذا و برنامه‌ها تصمیم می‌گیرند.

در قلب این انقلاب، بلاک‌چین قرار دارد؛ فناوری‌ای که داده‌ها را به صورت غیرقابل تغییر و توزیع‌شده نگه می‌دارد. وقتی شما عکس، ویدئو یا متنی روی این شبکه می‌گذارید، دیگر هیچ شرکت یا نهاد مرکزی نمی‌تواند آن را جابه‌جا کند یا مالکیتش را از شما بگیرد. این یعنی هر کاربر، کلید واقعی دنیای دیجیتال خود را در دست دارد و امنیت دیجیتال دیگر یک شعار نیست، بلکه یک واقعیت ملموس است. اقتصاد وب ۳ هم متفاوت و جذاب است؛ توکن‌ها و ارزهای دیجیتال به کاربران اجازه می‌دهند مستقیماً برای محتوا یا خدمات ارزش بپردازند و حتی از آن درآمد کسب کنند، بدون واسطه و کارمزدهای سنگین. در این دنیای جدید، هر لایک، هر اشتراک‌گذاری و هر تعامل شما می‌تواند یک سرمایه کوچک اما واقعی باشد، نه صرفاً عددی روی صفحه نمایش.

کاربردهای وب ۳ روز به روز گسترده‌تر می‌شوند و از بازی و هنر گرفته تا شبکه‌های اجتماعی و خدمات مالی را شامل می‌شوند. NFTها یا توکن‌های غیرقابل تعویض، به هنرمندان اجازه می‌دهند آثارشان را بفروشند و مالکیت دیجیتال آن‌ها را تضمین کنند؛ در حالی که بازی‌های بلاک‌چینی این امکان را فراهم می‌کنند که آیتم‌های درون بازی واقعاً متعلق به بازیکن باشد و ارزش اقتصادی پیدا کند. شبکه‌های اجتماعی غیرمتمرکز هم فضایی فراهم می‌کنند که کاربران به جای الگوریتم‌های شرکت‌ها، تعیین کنند چه محتوایی دیده شود و چه قوانینی حاکم باشد. همه این‌ها حس مالکیت، شفافیت و مشارکت را تقویت می‌کند، اما با حال و هوایی شیرین و سرگرم‌کننده، نه خشک و پیچیده. این یعنی وب ۳ نه فقط فناوری، بلکه یک تجربه انسانی جدید است؛ جایی که کاربران احساس می‌کنند در دنیای دیجیتال حضور دارند و نقش واقعی بازی می‌کنند.

البته وب ۳ هنوز در مراحل ابتدایی خود قرار دارد و چالش‌ها کم نیستند. پیچیدگی‌های فنی، مصرف انرژی برخی بلاک‌چین‌ها، نبود قوانین مشخص و مشکلات مقیاس‌پذیری، موانعی هستند که کاربران و توسعه‌دهندگان باید از آن عبور کنند.

اما جذابیت این نسل از اینترنت در همین است که کاربران می‌توانند بخشی از یک تغییر تاریخی باشند. هر پروژه جدید، هر NFT فروخته شده و هر شبکه غیرمتمرکز راه‌اندازی شده، وب ۳ را ملموس‌تر و واقعی‌تر می‌کند. این فلسفه نوین اینترنت، مفهوم مالکیت، مشارکت و شفافیت را به شکلی وارد زندگی دیجیتال کاربران می‌کند که پیش از این تصورش هم دشوار بود.

یکی از ویژگی‌های جالب وب ۳ این است که مرز بین دنیای واقعی و دیجیتال کم کم کمرنگ می‌شود. اقتصاد دیجیتال مستقیم و توکن‌ها، فرصت‌های درآمدی جدیدی برای کاربران ایجاد می‌کنند؛ بدون اینکه تگای به استخدام یا کار سنتی وابسته باشند. کاربران می‌توانند به شکل مستقیم برای خدمات ارزش بپردازند، در پروژه‌ها سرمایه‌گذاری کنند و سهمی از موفقیت آن‌ها داشته باشند. این تجربه باعث می‌شود تعامل با اینترنت دیگر صرفاً مصرف نباشد، بلکه تبدیل به یک مشارکت فعال و مالکانه شود. این تغییر نگاه به اینترنت، به معنای واقعی کلمه دنیای دیجیتال را انسانی‌تر، شفاف‌تر و حتی سرگرم‌کننده‌تر می‌کند.